



پروین اعتصامی در شهر خودش هم مهجور و تنهاست/ اختر تنهای چرخ ادب

سال‌ها از پی سال می‌آیند و می‌روند و «پروین» همچنان ناشناخته و تنهاست. چه اسفندماه که یادآور زادروز اوست و چه در نیمه فروردین که گل عمر نورسته‌اش را به آغوش سرد خاک سپرده است.

سال‌ها از پی سال می‌آیند و می‌روند و «پروین» همچنان ناشناخته و تنهاست. چه اسفندماه که یادآور زادروز اوست و چه در نیمه فروردین که گل عمر نورسته‌اش را به آغوش سرد خاک سپرده است. به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، پروین اعتصامی را هنوز خوب نمی‌شناسیم، حتی ما همشهریان پروین، مردمان شهر تبریز که به اولین‌های ارزشمندش همیشه بالیده ایم و فرهنگ پرورش را ستایش کرده ایم هم او را به شایستگی نمی‌شناسیم.

شاید پروین برایمان یادآور تندبسی باشد که اولین بار در محوطه نمایشگاه بین‌المللی تبریز نصب شد و چهره بی‌نهایت آرام زنی را به تصویر کشیده بود که نگاهی افق را می‌کاوید و ته مایه لبخندش در چین و شکن گره روسری‌اش گم می‌شد.

و شاید نام پروین را در مسیر خیابان چای کنار تبریز نرسیده به پل شهید بهشتی بر روی لوح معرفی کوچه ای دیده باشیم که سابق بر این نامش کوچه ساجبلاغی‌ها بود و اکنون نام «پروین اعتصامی» را به تناسب وجود خانه پدرش یوسف اعتصامی در این کوچه، برگزیده است.

و این گونه است که چهره پروین گویی صبر و تحمل را از کودکی به دوش کشیده و بیت بیت شعرهایش هم آبیستن غمی پنهان و محمل آموزه‌هایی پرمغز شده‌اند. کلماتی محجوب همانند گوینده آن که زندگی کوتاهش را هم با تمام تلخی‌های آمیخته با آن بی‌گلایه طی کرد و خود را چنان به دست فلک سپرد که گویی 35 سال زندگی را هم برای خود زیاد می‌دانسته است.

هر نکته که دانی بگوی پروین / تا نیروی گفتار در زبان است

آخرین روزهای اسفند ماه همیشه سالروز تولد بانوی شعر فارسی را خاطر نشان می‌سازد و امسال یادآور سپری شدن یکصد و هشت سال از تولد بانوی آرامی است که سرنوشتش هم مانند معدود عکس‌های باقی مانده از او، آرام و مظلوم و غمگین می‌کند.

امسال هم مانند سال‌های گذشته، مراسم روز «پروین اعتصامی» در میان جمعی کوچک از علاقمندان شعر و ادبیات و در حیاط خانه بازسازی شده پدر پروین در تبریز برگزار شد تا شائبه بی‌توجهی به این مناسبت و فراموشی پروین را از بین ببرد.

اما چه سود که پروین، اینجا در زادگاهش هم تنها و ناشناخته و مهجور است، حتی در روزی که تقویم به نام او باز می‌شود و شعرهای حکمت آموز و سرشار از پند و اندرز را یادآوری می‌کند...

به بوستان جان تا گلی هست پروین / تو خود باغبانی کن این بوستان را

سال‌ها از پی سال می‌آیند و می‌روند و «پروین» همچنان ناشناخته و تنهاست. چه اسفندماه که یادآور زادروز اوست و چه در نیمه فروردین که گل عمر نورسته‌اش را به آغوش سرد خاک سپرده است.

برگزاری برنامه‌ها و مراسم‌های نصفه نیمه بدون کارشناسی لازم، خلق الساعه و کم‌اثر در شناخت بانویی که در طول عمر کوتاهش، با نگاه دقیق و کلمات استوارش ده‌ها اثر بی‌مثال را در آسمان ادب این مرز و بوم ثبت کرده و در پروراندن قالب‌های ادبی خاص مانند «مناظره» دستی بر آتش کلام داشته، بسیار دور از انتظار ادب دوستان و دور از شأن بلند مرتبه پروین ادب فارسی است.

اما امسال هم مانند هر سال، و با توجه به تبریز 2018 که مسابقات مختلف و همایش‌های مختلف به منظور معرفی تبریز برگزار می‌شود پروین اعتصامی باز همانند سال‌های گذشته مورد بی‌مهری قرار گرفته است و حتی در این برنامه نیز توجهی به این امر نشده است.

آنچه بر میزان تلخی این اتفاق می‌افزاید، سکوت خبری سنگینی است که البته مدتی است گریبان حوزه‌های مختلف را گرفته و همین سکوت، دامنگیر پروین و جشن تولد بی‌سر و صدایش هم شده است.

حالا باید این غصه را هم به دیگر اتفاقات تلخ فرهنگی مان اضافه کنیم و یادمان نگاه داریم که پروین اعتصامی در شهر خودش هم مهجور و تنهاست. با این روند شاید در سال‌های نه‌چندان دور شاهد به سرقت رفتن این شاعر قدرتمند و توانا از سوی کشورهای همسایه باشیم و پس از آن غصه‌اش را بیشتر و جدی‌تر بخوریم.

بی‌شک، زمینه‌های اخلاقی، معنوی و آموزشی شعر پروین شایسته برگزاری کنگره‌هایی علمی و در شأن او برای بازشناسی و بررسی این آموزه‌ها هستند و هنوز هم شاعران و اهالی فرهنگ و هنر شهر تبریز و ایران زمین، در انتظار اعلام فراخوان این چنین برنامه‌های علمی از سوی هیئتی متخصص و وزین هستند. و ما همچنان امیدواریم ...

همه این ها اما بخش هایی مشخص و هزار بار گفت شده از زندگی او هستند، زندگینامه پر نشیب و فرازی که خواندنش سخت نیست و تنها با چند لحظه تامل در صفحات دنیای مجازی می توان به آن دست یافت. می توان خواند که رخشنده اعتصامی مشهور به پروین اعتصامی از شاعران بسیار نامی معاصر در روز 25 اسفند سال 1285 شمسی در تبریز تولد یافت، پدرش یوسف اعتصامی مشهور به اعتصام الملک آشتیانی فرزند میرزا ابراهیم آشتیانی فرزند ملا حسن فرزند ملا عبدالله فرزند ملا محمد فرزند ملا عبدالعظیم آشتیانی و مادرش بانو اختر فتوحی فرزند میرزا عبدالحسین ملقب به مُقَدَّم العِداله و متخلص به «شوری» از واپسین شاعران دوره قاجار، اهل تبریز و آذربایجانی بودند. می توان با کنکاشی کوتاه دید که او از ابتدا زیر نظر پدر دانشمند خود - که با انتشار کتاب (تربیت نسوان) اعتقاد و آگاهی خود را به لزوم تربیت دختران نشان داده بود - رشد کرد. در کودکی با پدر به تهران آمد. ادبیات فارسی و ادبیات عرب را نزد وی قرار گرفت و از محضر ارباب فضل و دانش که در خانه پدرش گرد می آمدند بهره ها یافت و همواره آنان را از قریحه سرشار و استعداد خارق العاده خویش دچار حیرت می ساخت. در هشت سالگی به شعر گفتن پرداخت و مخصوصاً با به نظم کشیدن قطعات زیبا و لطیف که پدرش از کتب خارجی (فرنگی - ترکی و عربی) ترجمه می کرد طبع آزمائی می کرد و به پرورش ذوق می پرداخت.

می توان، دانست او در نوزده تیر ماه 1313 با پسر عموی خود ازدواج کرد و چهار ماه پس از عقد ازدواج به کرمانشاه به خانه شوهر رفت. شوهر پروین از افسران شهربانی و هنگام وصلت با او رئیس شهربانی در کرمانشاه بود. اخلاق نظامی او با روح لطیف و آزاده پروین مغایرت داشت. او که در خانه ای سرشار از مظاهر معنوی و ادبی و به دور از هر گونه آلودگی پرورش یافته بود پس از ازدواج ناگهان به خانه ای وارد شد که یک دم از بساط عیش و نوش خالی نبود و طبیعی است همراهی این دو طبع مخالف نمی توانست دوام یابد و سرانجام این ازدواج ناهمگون به جدایی کشید و پروین پس از دو ماه و نیم اقامت در خانه شوهر با گذشتن از کابین طلاق گرفت. با این همه او تلخی شکست را با خونسردی و متانت شگفت آوری تحمل کرد و تا پایان عمر از آن سخنی بر زبان نیاورد و شکایتی نکرد. در سال 1314 چاپ اول دیوان پروین اعتصامی، شاعره توانای ایران، به همت پدر ادیب و گرانمایه اش انتشار یافت.

پروین مدتی در کتابخانه دانشسرای عالی تهران سمت کتابداری داشت و به کار سرودن اشعار خود نیز ادامه می داد. تا اینکه دست اجل او را در 35 سالگی از جامعه ادبی گرفت.

می توان با حسرت دانست که اختر چرخ ادب در شب 15 فروردین سال 1320 خورشیدی به بیماری حصبه در تهران زندگی را بدرود گفت و پیکر او را به قم بردند و در جوار قبر پدر دانشمندش در مقبره خانوادگی به خاک سپاهی سپردند که بالین او شده بود.

دیوان پروین، شامل 248 قطعه شعر است که از آن میان 65 قطعه به صورت مناظره است. اشعار پروین اعتصامی بیشتر در قالب قطعات ادبی است که مضامین اجتماعی را با دیده انتقادی به تصویر کشیده است. در میان اشعار پروین، تعداد زیادی شعر به صورت مناظره میان اشیاء، حیوانات و گیاهان وجود دارد.

درون مایه اشعار وی بیشتر غنیمت داشتن وقت و فرصت ها، نصیحت های اخلاقی، انتقاد از ظلم و ستم به مظلومان، ضعیفان و ناپایداری دنیا است. در شعر پروین استفاده هایی از سبک شعرای بزرگ پیشین نیز شده است.

اشعار وی را می توان به دو دسته تقسیم کرد، دسته اول که به سبک خراسانی گفته شده و شامل اندرز و نصیحت است و بیشتر به اشعار ناصر خسرو شبیه است.

دسته دوم اشعاری که به سبک عراقی گفته شده و بیشتر جنبه داستانی به ویژه از نوع مناظره دارد و به سبک شعر سعدی نزدیک است. این دسته از اشعار پروین شهرت بیشتری دارند.

تمام این ها اما حتی بخشی از غم و فراغ و تنهایی های این بانوی آرام و محجوب را معرفی نمی کند؛ وقتی پس از جدایی اشعار عاشقانه اش را به دست آتش سپرد و از آنها هیچ باقی نگذاشت تا همگان او را به عنوان شاعری فرهنگ دوست و کهن نویس که به شیوه خراسانی و عراقی می نویسد و نصیحت گویی هایش شیرین عاری از طعنه است بشناسند.

و ما، مردمان امروز هنوز هم از او هیچ نمی دانیم و در روزهایی که به شهادت تقویم یادگار اویند هم تلاشی برای این دانستن نمی کنیم. هرچند خانه او امروز زیبا و آراسته در اختیار ماست، اما جای روح لطیف و نگاه محجوب اختر چرخ ادب در آن خالی است.

شعر روی قبر پروین اعتصامی

اینکه خاک سیهش بالین است

اختر چرخ ادب پروین است

گر چه جز تلخی ز ایام ندید

هر چه خواهی سخنش شیرین است

صاحب آنهمه گفتار امروز

سائل فاتحه و یاسین است

دوستان به که ز وی یاد کنند

دل بی دوست دلی غمگین است

خاک در دیده بسی جان فرساست
سنگ بر سینه بسی سنگین است
ببند این بستر و عبرت گیرد
هر که را چشم حقیقت بین است
هر که باشی و ز هر جا برسی
آخرین منزل هستی این است
آدمی هر چه توانگر باشد
چون بدین نقطه رسید مسکین است
اندر آنجا که قضا حمله کند
چاره تسلیم و ادب تمکین است
زادن و کشتن و پنهان کردن
دهر را رسم و ره دیرین است
خرم آنکس که در این محنت گاه
خاطری را سبب تسکین است
نگارنده: فرینوش اکبرزاده